

امنیت در پرتو ولایت از نگاه امام رضا(ع)

رضا کشاورز^۱

چکیده

امام رضا(ع) در مجموعه گفتارهای خود، از جمله؛ در حدیث سلسله الذهب در حالی که با ذکر کلمه «لا اله الا الله» به توحید و ولایت الله اشاره دارد، در عین حال با بیان جمله «بشرطها و شروطها و انا من شروطها» مسلمانان را به ولایت امامان معصوم توجه می دهد و بدین طریق اصل توحید را به امامت پیوند می زند و بین آن دو التزام معرفتی و عملی ایجاد می نماید. سخن امام بیانگر این معناست که رسیدن به مقام توحید و وارد شدن در حصن الهی، برای انسان مصونیت و امنیت ایجاد می کند و ورود به این پایگاه محکم، تنها از مسیر اعتقاد به حجت خدا و پذیرفتن ولایت آنان میسر می باشد؛ زیرا آنان آئینه تمام نمای صفات الهی و ارکان و پایه های توحید و تجلی بخش ولایت خداوند هستند.

رضایت آنها رضایت خداوند و رجوع به آنها، رجوع الی الله است. علاوه از مفاد حدیث دیگری استفاده می شود که ولایت امیر مومنان پایگاه امن الهی است و پذیرفتن حکومت و ولایت آن حضرت، مایه عزت امت اسلامی و باعث برطرف شدن ناراحتی ها و نابسامانی های بشریت می شود.

در این نوشتار با الهام از آیات قرآنی و استفاده از متون روایی و عرفانی به تبیین ارتباط مسئله توحید با امامت و ولایت و نقش آن در امنیت و نجات بشریت از گمراهی و انحرافات عقیدتی و رفتاری خواهیم پرداخت.

واژه های کلیدی

امنیت، جهان بینی توحیدی، ولایت، سلسله الذهب، روایات رضوی.

مقدمه:

امامت از اصول اعتقادات شیعیان است که همچون نبوت، ارتباط ناگسستنی با توحید دارد. از نگاه شیعیان؛ امامت فقط یک منصب دنیوی نیست و در زمامداری و حاکمیت سیاسی خلاصه نمی شود، بلکه همانند نبوت، یک مقام شامخ الهی است. امام یک فرد عادی نیست، بلکه انسان کاملی است که همه کمالات انسانی در او به فعلیت رسیده است و از هر عیب و نقصی منزّه است. حقایق دینی در او تجسم یافته و می تواند برای جامعه دینی الگو و سرمشق باشد. چنین انسانی شایستگی جانشینی رسول خدا^(ص) را دارد و می تواند تمامی مناصب و مسئولیت‌های پیامبر را (به جز دریافت وحی رسالی) عهده‌دار شود و با تبیین و تفسیر و اجرای درست دین و هدایت مردم به صراط مستقیم، آنان را به سعادت دنیا و آخرت نائل گرداند.

با کمال تأسف، انحراف حکومت از مسیر ولایت، باعث گردید صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره عالم اسلام وارد گردد و امروزه ما شاهد انحراف و دگرگونی در جوامع اسلامی و استیلای کشورهای مستکبر بر آنان می‌باشیم. اگر نبود مجاهدت‌های فراوان امامان معصوم، اگر نبود فرصتی که برای امام صادق^(ع) و امام رضا^(ع) فراهم شد؛ امروزه دست شیعیان از معارف ناب و فرهنگ غنی اسلام و تشیع خالی بود و ما شاهد تأسیس مکتب اهل بیت و حکومت ولایی برگرفته از آن نبودیم. در این نوشتار با بهره‌گیری از مفاد سخنان امام رضا^(ع) مبنی بر پیوند خدا محوری و توحید با ولایت محوری به دنبال ترسیم توحید ربوبی سیاست‌ساز هستیم. تأکید بر آثار و کارکردهای نظام ولایی در راستای تحقق و اجرای حقیقت و روح دین و نقش آن در تحصیل امنیت و مصونیت در برابر انحرافات فکری و رفتاری از اهداف این تحقیق به شمار می‌آید. امروزه مهم ترین نقطه مثبت نظام اسلامی، پیوند با ولایت است که از مهم ترین الزامات تقویت این پیوند، وابستگی فکری و عملی به ولی می باشد. پس از این مقدمه به بررسی و تحلیل سخنان امام رضا^(ع) به پیوند دو رکن خدا محوری و ولایت محوری و نقش آن در ایجاد امنیت در ابعاد گوناگون عقیدتی، رفتاری، دنیوی و اخروی می‌پردازیم.

ورود امام رضا^(ع) به سرزمین دوستداران اهل بیت^(ع) در نیشابور و طرح حدیث سلسله الذهب در جمع اهل دانش و حدیث و رساندن سند حدیث به خداوند متعال و طرح جمله

«بشروطها و انا من شروطها»، فهمانید که امامت مقامی است الهی و عقول بشر از انتخاب امام عاجز است و تا وقتی که حکومت در اختیار زمامداران به حق قرار نگیرد، یگانه پرستی و توحید نیز استقرار نمی یابد. این بیان امام در نیشابور که تداعی بخش تکرار غدیر بود، توانست دنیای اسلام و خصوصاً ایرانیان و پیروان اهل بیت را به مقام ولایت ائمه اطهار^(ع) توجه دهد به طوری که مأمون به دفاع از ولایت امیر مومنان پرداخت و گفت: «پروردگارا من این قوم را نصیحت کردم و آنچه بر من واجب بود، ادا کردم و علی را بعد از پیغمبر تو بر جمیع خلق ترجیح دادم، چنان که رسول تو ما را به آن امر کرده بود». (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۴۲۷). امروزه نیز بعد از گذشت قرن‌ها، مضجع شریف و نورانی آن امام همام، مرکز ثابتی برای نور ولایت بر تمام جهان اسلام و تشیع است.

حضرت امام رضا^(ع) فرمود:

حدثنی ابی الکاظم عن ابیه جعفر بن محمد الصادق عن ابیه محمد بن علی الباقر عن ابیه علی بن الحسین قال: حدثنی ابی الحسین بن علی الشهید بکربلاء قال: حدثنی ابی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شهید ارض کوفان قال: حدثنی ابی و ابن عمی رسول الله قال: حدثنی جبرئیل قال: سمعت رب العزة سبحانه یقول: کلمه لاله الا الله حصنی، و من دخل حصنی امن من عذابی. ثم قال: بشر و طها و انا من شروطها؛ پدرم کاظم نقل کرد از پدرش جعفر صادق از پدرش علی بن حسین که گفت: حدیث کرد برای من پدرم حسین بن علی شهید کربلا که گفت: حدیث کرد برای من پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شهید سرزمین کوفه که گفت: حدیث کرد برای من پدرم و پسر عم ام رسول خدا که گفت: حدیث کرد برای من جبرئیل که گفت: از خدای عزیز سبحان شنیدم که می گوید: کلمه لاله الا الله قلعه استوار من است و هر کس وارد قلعه من شود از عذابم در امان خواهد بود. آن گاه حضرت فرمود: با حفظ شرایط است و من از شرایط آن هستم (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۳۷۶-۳۷۲؛ همو، ۱۳۶۴ش: ۷؛ همو، ۱۳۹۸ق، ۲۵-۲۴، ج ۲۱ و ۲۳. طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۷۹؛ ح ۵۳۶؛ ابن حجر هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۳۰۷-۳۰۶؛ جوینی، بی تا، ج ۲: ۱۸۹؛ ابن مغزلی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۱۰۱، مجلسی، ۱۳۶۲ش، ج ۴۹: ۱۲۷-۱۲۶).

امام رضا^(ع) در این حدیث؛ اساسی‌ترین پایه ایمان به یگانگی خدا و وصول به مقام توحید را پذیرش امامت خود - که به معنای امامت سایر امامان نیز هست - معرفی می‌نماید و وارد شدن به حصن الهی توحید را بدون اعتقاد به حجت الهی و ولایت او امکان‌پذیر نمی‌داند. امام به خوبی بیان می‌دارد که امر توحید و هدایت توحیدی فقط تحت سرپرستی انسان کامل معصوم که شرط اساسی حصن حصین توحید الهی است امکان‌پذیر است. (رک؛ طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۲۶) در حدیث دیگری با نقل مشابهی همچون حدیث سلسله الذهب به ولایت امیرالمومنین^(ع) به عنوان پایگاه امن الهی اشاره می‌شود: «عن النبی عن جبرئیل عن میکائیل عن اسرافیل عن اللوح عن القلم قال يقول الله عزوجل و لایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۲۳).

مرحوم صدوق در ذیل حدیث می‌نویسد:

مراد آن است که اگر مردم حکومت علی^(ع) را بپذیرند و زیرپرچم او روند و او را اولی‌الامر خود دانند، در این صورت جهان بشریت از هرگونه عذاب و ناراحتی و بدبختی و نیز دزدی و قتل و چپاول و فقر و مرض و نابسامانی‌ها رها می‌گردد. در این حال همه این معضلات از میان رخت بر بسته و عذاب یکسره از خلق برداشته می‌شود. (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۳۶)

جلوه‌هایی از مقام ولایت

در حدیث دیگری از امام رضا^(ع) که آن نیز سلسله الذهب به شمار می‌آید، جلوه‌هایی از مقام ولایت در آن بیان شده است. در این حدیث ائمه اطهار، مظهر صفات پروردگار واسطه فیض برای اولین و آخرین اند. در این حدیث گفته شده: «اگر ما نبودیم، خدای تعالی آدم را نمی‌آفرید» (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۲۹۲) این مطلب از آن روست که آنان واسطه‌های میان حق و خلق‌اند و مظهر رحمت خداوند هستند (خمینی، ۱۳۶۰ ش: ۱۷۰-۱۶۴). چرا که از لوازم ولایت، مالکیت و سلطنت در تدبیر، تکفل و سرپرستی در امور و وساطت در فیض است (رک: حسینی طهرانی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵: ۳۳-۱۰) لازمه وجود هر موجودی، وجود ولایت است، زیرا موجودات نسبت به ذات مقدّس حضرت حق، ربط محض هستند. هر موجودی به حسب سعه و ضیق هویت وجودی خود، مظهر این اسم است. از این رو اولین مخلوق که

حجاب اقرب و نزدیک ترین موجود از نظر قرب به ساحت اقدس کبریایی است از ولایت مطلقه، عامه و کلیه الاهیة برخوردار است و وجود، روزی، حیات و ممات و ... تمام موجودات به افاضه اوست از «اول ما خلق الله» به حقیقت محمدیه تعبیر می‌شود و هر موجودی از او فیض می‌گیرد (حسن زاده املی، ۱۳۷۸: ۶۵ - ۶۳).

این معنا همان است که در کلام حضرت علی^(ع) یافت می‌شود که فرمود: «فانا صنائع ربنا و الناس بعد صنایع لنا» (نهج البلاغه، نامه ۲۸)؛ ما دست‌پرورده پروردگاران هستیم و مردم پس از این، دست‌پرورده ما هستند. ابن ابی الحدید در ذیل این سخن می‌گوید «این کلام عظیمی است که بر هر گفتاری برتری دارد و معنایش بر هر معنایی برتری دارد و صنایع الملک من یصطنعه و یرفع قدره، حضرت می‌فرماید: هیچ یک از افراد بشر بر ما نعمتی ندارند، بلکه خداوند است که بر ما نعمت بخشیده است پس ما بین ما و بین خدا واسطه‌ای نیست، و مردم جملگی مصنوعات و دست‌پروردگان ما هستند و بنابراین ما واسطه بین آنها و بین خدا هستیم، و این مقام جلیلی است که ظاهرش همانست که ذکر شد و باطنش این است که آنان بندگان خدا هستند و مردم بندگان ایشان می‌باشند». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۱۵: ۱۵۱). از این جهت امام صادق^(ع) می‌فرماید: ولایتنا ولایه الله التی لم یبعث نبیا قط الا بها (کلینی، ۱۳۹۲ ق، ج ۲: ۳۱۹)؛ ولایت ما ولایت خداوند است که تمام انبیاء با آن ولایت مبعوث شده‌اند. این نکته واضح و روشن است که مقصود وجود جسمانی و تاریخی امامان معصوم نیست و بلکه می‌توان گفت که این مقام ولایت کلیه امامان معصوم است که با ذات اقدس خداوندی، وحدت و هوهویت دارد (حسینی طهرانی، ۱۴۱۶ ق: ۲۹۴). این هوهویت یعنی عینیت توحید و ولایت. به عبارت دیگر، توحید همان معنای مرآت‌ی و آیتی حجاب اقرب است و ورود به چنین عالمی، مشروط به عبور از ولایت است؛ یعنی کسی در ناحیه صعود به معرفت و قرب ذات اقدس حق تعالی نمی‌رسد، مگر از این آینه و آیت بزرگ؛ زیرا نور و تشعشع این خورشید، دیده هر بیننده را کور می‌کند و نمی‌توان بدون آینه و حجاب جمالش را مشاهده کرد (شبستری، ۱۳۷۱ ش: ۱۴-۱۲). پس لازمه وصول به توحید، عبور از ولایت است و علیهذا برای مالک، توحید و ولایت یک چیز است، توحید عین ولایت، و ولایت عین توحید است (حسینی طهرانی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵: ۱۲۵).

امام خمینی^(ع) درباره راز نوشتن کلمات «لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی امیر

المومنین» بر همه موجودات از عرش اعلا تا منتهای ارضین می‌گوید:

شیخ عارف شاه آبادی می‌فرمود که: شهادت به ولایت در شهادت به رسالت نهفته است؛ زیرا که ولایت باطن رسالت است و نویسنده گوید که در شهادت به الوهیت شهادتین منطوی است. جمعاً و در شهادت به رسالت آن دو شهادت نیز منطوی است، چنانچه در شهادت به ولایت آن دو شهادت دیگر منطوی است (خمینی، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

در حدیثی رسول خدا از جبرئیل نقل می‌کند که خدای عزوجل فرمود:

علی بن ابیطالب حجّتی علی خلقی و دّیان دینی، یخرج من قبله ائمه یقومون بامری و یدعون الی سبیلی، بهم اذفع العذاب عن عبادی و امائی و بهم انزل؛ علی بن ابی طالب حجّت من است بر خلقم و جزابخش در دینم است و از پشتش امامانی بر آرم که به امر من قیام کنند و به راه من دعوت نمایند و بدان‌ها عذاب را از بنده‌ها و کنیزهایم رفع کنم و بدان‌ها رحمتم نازل کنم. رحمتی (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۵۴۴).

در حدیث دیگر فرمود: «یا ابن عباس، ولایتهم ولایتی و ولایتی ولایه الله» ولایت آنان ولایت من ولایت من ولایت خداوند است. (طبرسی، ۱۳۸۰ ش: ۲۱۱).

در بیانی از امام باقر^(ع) شناخت امیرالمؤمنین نشانه ایمان و انکارش کفر شمرده شده است: «عن ابی جعفر^(ع)»:

ان الله عزوجل جعل علیاً علماً بینة و بین خلقه، من عرفه کان مومنّاً و من انکره کان کافراً؛ خدای عزوجل علی را بین خود و مردم، نشانه و علامت قرار داده است، هر که او را بشناسد، مؤمن است و هر که او را انکار کند کافر است. (کلینی، ۱۳۹۲ ق، ج ۱: ۴۳۷)

مفاد بسیاری از سخنان امامان معصومین این است که راه شناخت خدا منحصر در شناخت آنان است. هر کس ولایت این خاندان را ندارد، خدا را نشناخته است و عبادت بدون ولایت ائمه، عبادت خدا نیست. (ر ک: میلانی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱: ۲۲۳-۲۲۰)

در زیارت جامعه کبیره، ولایت آنان ولایت خداوند و اعتصام به آنان اعتصام به خداوند و همراهی با آنان باعث نجات و رهاکردن آن‌ها باعث هلاکت، ذکر شده است چنان‌که آمده است: «من والاکم فقد والی الله»، «من اعتصم بکم فقد اعتصم بالله»، «من اتاکم نجی و من

لم یاتکم هلک» (قمی، ۱۳۸۴: ۱۰۶۴)

امامان؛ حجج الهی و پایه‌های توحید:

امامان مظهر ارکان توحید هستند و انکار ولایت آنان، انکار توحید خداوند است. امام رضا^(ع) به نقل از پدرانش و آنان به نقل از رسول خدا و آن حضرت از جبرئیل امین نقل کرده که خداوند متعال فرموده است:

کسی که شهادت ندهد که جز من معبودی نیست، یا شهادت به این مطلب بدهد، ولی شهادت ندهد که محمد بنده و رسول من است، یا به این هم شهادت بدهد، ولی شهادت ندهد که امامان از فرزندان علی حجت‌های من هستند، چنین آدمی نعمت مرا منکر شده و عظمت مرا کوچک شمرده است و به آیات و کتاب‌ها و فرستادگان من کفر ورزیده است. چنین شخصی اگر به من روی آورد، بازش می‌دادم و اگر از من چیزی بخواهد محرومش می‌سازم و اگر مرا بخواند، جوابش نمی‌دهم و اگر امیدی به من داشته باشد، ناامیدش می‌کنم و این کیفری است که به او می‌دهم» (مجلسی، ۱۳۶۲ ش، ج ۳۶: ۲۵۲).

از این رو باید گفت توحید همچون ساختمانی است که پایه‌های آن امامان معصوم هستند و بدیهی است که با فرو ریختن پایه‌ها، ساختمان نیز فرو می‌ریزد و با کنار رفتن امامت علی و آل علی توحیدی باقی نمی‌ماند. دور افتادن از مکتب اهل بیت^(ع) انسان را به گمراهی فکری و اعتقادی می‌کشاند چنان‌که برخی از اهل تسنن باورشان بر این است که خداوند در روز قیامت با چشم سر دیده می‌شود و با استناد به آیه «یوم یکشف عن ساق» (القلم، ۴۲) می‌گویند خداوند ساق پای خود را بالا می‌کشد. (طبری، ۱۳۵۶ ش، ج ۲: ۳۵۶-۷؛ مسلم بن الحجاج، بی تا، ج ۴: ۲۲۷۹؛ بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۹: ۱۲۷). تمام این انحرافات ناشی از این است که این افراد از خاندان عصمت دور افتاده اند و لسان قرآن را کنار گذاشته اند و خودسرانه به آن ورود پیدا کرده‌اند و گرفتار ضلالت شده‌اند.

در روایتی از رسول خدا^(ص) آمده است:

مثل اهل بیتی کسفینه نوح، من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق. مثل اهل بیت من هم چون کشتی نوح است؛ هر که بر آن سوار شود، نجات یابد و هر که

سرباز زند غرق گردد. (طبرسی، ۱۳۸۰ ش: ۲۵۰ و ۲۹۶؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳: ۱۵۰)

امام جواد نیز فرمود: مراد از «و هذا البلد الامین^۱» ائمه معصومین هستند (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲: ۴۳۰). چنان که از این دو روایت پیداست؛ خداوند ولایت امامان معصوم را به منزله حرم امن خویش قرار داده و تنها کسانی رستگار خواهند شد که در این حصن الهی قرار گیرند و بر کشتی نجات سوار شوند.

عاملان رشد معرفت

در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه آمده است:

و انما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفاؤه علی عباده و لایدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لایدخل النار الا من انکرهم و انکروه. منحصرأً پیشوایان، بر پا دارندگان «دین» خدا بر خلق اویند و عارفان خدا بر مردم و هیچ کس وارد بهشت نخواهد شد مگر کسی که آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند و داخل آتش جهنم نمی‌گردد، مگر کسی که آنها را منکر شود و آنها نیز منکر او شوند. (نهج البلاغه، خ ۱۵۲)

در جای دیگر می‌فرماید:

هم موضع سره و لجا امره و غیبه علمه موئل حکمه و کهوف کتبه و جبال دینه، بهم اقام انحناء ظهره و اذهب ارتعاد فرائضه. «راز الهی به آنها سپرده شده است و هر که آنان را پناه گیرد، به حق راه برده است. آنان مخزن علم خداوند و بیانگر احکام شریعت او هستند؛ آنان پناهگاه کتاب‌های اویند و نگهبان دین او و چون کوهی برافراشته خمیدگی پشت اسلام به آنها راست می‌شود و لرزش آن به وسیله آنها از میان می‌رود» (همان: خ ۲).

در حدیثی از رسول اکرم (ص) آمده است:

ثلاث أقسم انهن حق: انک والاولیاء من بعدک عرفاء لا یعرف الله

الا بسبیل معرفتکم و عرفاء لا یدخل الجنه الا من عرفکم و عرفتموه و عرفاء لا یدخل النار الا من انکرکم و انکرتموه. سوگند به خدا سه چیز حق است، تو و امامان بعد از تو، عرفا و شناخته شدگانی هستی که خدا را جز از طریق معرفت شما، نمی‌توان شناخت و عرفایی هستی که هیچ کس وارد بهشت نمی‌شود، مگر کسی که شما او را شناخته‌اید و او شما را شناخته است و عرفایی هستی که هیچ کس داخل دوزخ نمی‌شود، مگر آن‌ها که شما را انکار کنند و شما آن‌ها را انکار کنید. (ابن بابویه، ۱۴۰۳
 ق: باب الثلاثه، ح ۱۸۳)

اگر مسلمانان همگی به مرجعیت دینی و علمی و معصومانه امامان معصومین تن می‌دادند و از تفسیر نادرست متون دینی پرهیز می‌کردند، دچار تشّتت آرا و اختلاف مذاهب نمی‌شدند و در نتیجه از اسلام ناب محمدی و اصیل فاصله نمی‌گرفتند. رهبری و مرجعیت علمی معصومانه در حل مشکلات مردم و تشخیص حقایق و حیانی از مسائلی بوده که امامان معصوم و اصحاب آن‌ها برای اثبات ضرورت رهبری معصوم به آن استناد می‌کردند (رک: مطهری، ۱۳۷۰ ش: ۵۴-۵۰)

پیامد انحراف از ولایت

حادثه عاشورا و شهادت مظلومانه امام حسین^(ع) و زمینه‌های شکل‌گیری آن یکی از نمونه‌های بارز انحراف از رهبری است. مواردی همچون انحراف در ارزش‌های اصیل اسلامی، تعطیلی حدود الهی، مشروعیت یافتن کارهای خلاف و زشت با رنگ و لعاب دینی، ممنوعیت تفسیر قرآن و ترویج احادیث پیامبر، حاکمیت افراد فاجر و فاسد و تحریف در احکام و معارف اسلامی را می‌توان از پیامدهای دور شدن مسلمانان از رهبران راستین اسلام دانست (رک: مرادی، حجّت فر، ۱۳۹۳ ش: ۱۹۳)

امام رضا^(ع) از مقام ولایت‌عهدی سرباز می‌زند و به سخن امام حسین^(ع) درباره عدم بیعت با یزید استناد می‌کند (رک: ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۲۶۴-۲۶۳) در نهایت که امام رضا با اصرار مأمون و برای حفظ جان خود ولایت‌عهدی را می‌پذیرد، اما با شرط نمودن عدم دخالت در مسائل حکومتی و سیاسی دستگاه خلافت، مخالفت و ناراضی خود را نسبت به حکومت

غاصب و نامشروع مأمون اعلام می‌دارد؛ چنان‌که قبل از این امام در بدو ورود به خراسان با طرح حدیث سلسله الذهب، اعتراض خود را اعلام داشت و فهماند که امام و رهبر جامعه اسلامی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و اگر حکومت به دست رهبر اسلامی و حجت خدا نیفتد، چه عواقب شومی را خواهد داشت.

علل جعل اولی الامر در بیان امام رضا^(ع)

امام رضا^(ع) در بیان فلسفه رهبری و جعل اولوالامر جامعه اسلامی می‌فرماید:

انه لولم يجعل لهم اماما "قيما" امينا "حافظا" مستودعا" لدرست المله و ذهب الدين و غيرت السنن والاحكام و لزاد فيه المبتدعون و نقص منه الملحدون و شبهوا ذلك على المسلمين اذ قد وجدنا الخلق منقوصين محتاجين غير كاملين مع اختلافهم واختلاف اهوائهم و تشتت حالاتهم فلولم يجعل فيها قيما حافظا لما جاء به الرسول الاول لفسد و اعلى نحو ما بيناه و غيرت الشرايع و السنن و الاحكام و الايمان و كان في ذلك فساد الخلق اجمعين. همانا اگر (خداوند) برای ایشان امامی به عنوان سرپرست، امین، محافظت کننده و امانت‌دار قرار ندهد، مذهب کهنه می‌شود، دین می‌رود، سنت و احکام استحاله می‌شود، بدعت گزاران بر آن می‌افزایند و ملحدان از آن می‌کاهند و آن را برای مسلمین مشتبه می‌کنند. چرا که همانا ما خلق را با اختلافاتشان و تفاوت امیالشان و تشتت روش هایشان، ناکامل و محتاج یافتیم. پس اگر (خداوند) به خاطر آنچه رسول^(ص) آورده است برای مردم سرپرستی محافظ کننده قرار ندهد، همانا بر روشی که ما تبیین کردیم فاسد و شرایع، سنت‌ها، احکام و ایمان تغییر داده می‌شدند و فساد تمامی مردم در آن بود. (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۰۱؛ همو، ۱۳۸۶ ش، ج ۱: ۸۰۶).

ضرورت تداوم ولایت معصومان توسط ولایت فقیه

حال با توجه به فلسفه رهبری و جعل اولی الامر در اسلام، روشن می‌گردد که رشد و تکامل و امنیت امت اسلامی جز از طریق نهادینه شدن اسلام و حکومت عدل در متن زندگی فردی و اجتماعی آنان، میسر نیست. چرا که دین‌دارای دو بعد ظاهر و باطن، دنیا

و آخرت است. و دنیا مزرعه آخرت است. و آن فردی که این طرف باشد و آن طرف نباشد نمی‌تواند مردم را در آن منهای حرکت بدهد. قرآن کتابی است که دعوت به علم می‌کند؛ جامعه باید بر اساس علم حرکت کند و آن شخص را که اسلام بر افراد مسلمان می‌گمارد، باید شخصی باشد که از تمام افراد ملت، عاقل‌تر، عالم‌تر و فقیه‌تر به کتاب خدا و سنت رسول خدا می‌باشد. در میان جامعه آن کسی که امر و نهی از او صادر می‌شود؛ باید یک فرد پاک و با درایت و عاقبت اندیش و علیم و خبیر به امور زمان باشد و مردم را در راه سعادت حرکت دهد. در اسلام پاک‌ترین راه برای هدایت مردم، همین طریق است؛ زیرا که اگر تمام جامعه در تحت ولایت چنین فقیهی باشند، این فقیه، مردم را به علم حرکت می‌دهد و تمام مردم را عالم و طاهر و بصیر و خبیر می‌کند و تمام افراد جامعه از همه استعدادها و قوای خود متمتع می‌شوند و به فعلیت می‌رسند. اگر امور بر طبق اراده او بگذرد بهشت در همین دنیا به استخدام گرفته می‌شود و انسان در این بهشت زندگی می‌کند و آنچه در مقابل این دنیا به انسان ارزانی داده شده است همه از آثار و تجلیات و مظاهر همین بهشت دنیوی است؛ و این معنی ولایت فقیه است (حسینی طهرانی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲: ۲۰۳ - ۱۹۵).

اگر غیر از این باشد امت اسلام با سرباز زدن از ولایت ائمه معصومین و عالمان دین، در برابر طاغوت‌هایی چون معاویه، یزید، مروان حکم، عبدالملک بن مروان، و ... سر تسلیم فرود آورده و به جای رسیدن به جامعه توحیدی، به جامعه‌ی شرک آلود گرفتار گردیده و اسیر دست کسانی می‌گردند که مردم را به جای اطاعت خدا به اطاعت خود فرا می‌خوانند.

نتیجه گیری

چنان که از تحلیل حدیث سلسله الذهب و جمله «بشروطها و انا من شروطها» به دست آمد؛ باید گفت در نظام تشریح، اعتقاد به وحدانیت خداوند و اعتقاد به رسالت رسولان از آدم تا خاتم باید توأم با اعتقاد به ولایت و امامت علی^(ع) و یازده فرزند معصومش باشد، چرا که تمام این اعتقادات همانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل‌اند و اگر یکی از آن‌ها وجود نداشته باشد، هیچ یک از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد.

در این نوشتار با بهره‌گیری از احادیث امام رضا^(ع) و دیگر پیشوایان دینی به این نتیجه رسیدیم که یگانه راه خدا پرستی و وصول به مقام توحید در استقرار نظام ولایی است، چراکه وصول به این مقام بدون عبور از ولایت که معنای مرآت‌ی خدا است، ممکن نیست. امامان معصومین چون تربیت یافتگان پروردگار و مخزن علم و اسرار الهی هستند؛ اراده و مشیت الهی تنها در ذیل مقام ولایت و سرپرستی آنان امکان پذیر است. ائمه اطهار به دلیل برخورداری از جایگاه معصومانه الهی، ارکان و پایه‌های توحید شمرده شده و به عنوان نگهبانان و برپا دارندگان دین خدا بر خلق خدا معرفی گردیده‌اند. از این رو هر کسی شایستگی رهبری جامعه اسلامی و مستقر نمودن نظام ولایی را ندارد و در زمان غیبت امام معصوم؛ تنها کسانی این شایستگی را دارند که از ویژگی‌های ممتاز علمی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی باشند و این امر در ولایت فقیه جامع شرایط محقق می‌گردد.

انحراف از ولایت، پیامدهایی هم چون؛ انحراف از ارزش‌های اصیل اسلامی، تعطیلی حدود الهی، مشروعیت یافتن کارهای خلاف دین، حاکمیت افراد فاسد و فاجر و گرفتار شدن در جامعه شرک و کفر به جای جامعه توحیدی را دربر خواهد داشت. از این رو تنها راه تحصیل امنیت در ابعاد گوناگون دنیوی و اخروی در پرتو جهان بینی توحیدی است، که تحقق آن فقط در قالب جامعه و نظام ولایی، میسر است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم .

نهج البلاغه.

- ابن اثیر، علی بن محمد، بی تا. **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار احیاء التراث العربی
 ابن ابی الحدید، (۱۳۷۸). **شرح نهج البلاغه**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالساقیه للعلوم.
 ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، بی تا. **عیون اخبار الرضا**. ۲ جلدی، تهران: انتشارات اسلامیة.
 -----، (۱۳۶۴). **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**. قم: انتشارات شریف
 -----، (۱۳۶۲). **الامالی**. تهران: انتشارات اسلامیة.
 -----، (۱۴۰۳ق). **الخصال**. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 -----، (۱۳۸۶). **علل الشرایع**. ترجمه و تحقیق سید محمدجواد ذهنی تهرانی، قم: انتشارات

مؤمنین

- ، (۱۳۹۸ق). **التوحید**. قم: انتشارات جامعه مدرسین
 ابن حجر، هیثمی، احمد بن محمد، (۱۳۸۵ق). **الصواعق المحرقة**. قاهره: المكتبة القاهرة.
 ابن مغالزی، علی بن محمد شافعی، (۱۴۰۳ق). **مناقب علی بن ابی طالب**. تهران: المكتبة الاسلامیه.
 بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق). **صحیح البخاری**. بیروت: طبع دارطوق النجاه (مصوره عن السلطانیة باضافه
 ترقیم محمد فواد عبدالباقی).

جوینی، ابراهیم بن محمد، بی تا. **فرائد السمطین**. بی جا: بی نا.

- حسینی طهرانی، محمد حسین، (۱۳۷۱). **ولایت فقیه در حکومت اسلام**. مشهد: انتشارات علامه طباطبایی.
 -----، (۱۳۷۲). **امام شناسی**. تهران: انتشارات حکمت
 -----، (۱۴۱۶ق). **روح مجرد**. تهران: انتشارات حکمت.

حسن زاده عاملی، حسن، (۱۳۷۸). **ممدالهمم در شرح فصوص الحکم**. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و
 ارشاد اسلامی

- خمینی، روح الله، (۱۳۶۰). **مصباح الهدایه**. ترجمه احمد فهری، تهران: پیام آزادی.
 -----، (۱۳۸۸). **آداب الصلوه (آداب نماز)**. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 زارعی امین، محمد، (۱۳۹۲)، «**تحلیلی بر حدیث سلسله الذهب**». مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
 شیبستری، محمود بن عبدالکریم، (۱۳۷۱). **گلشن راز**. تهران: چاپ احمد مجاهد و محسن کیانی
 طباطبایی، سید علی، (۱۳۸۶). **انسان کامل**. قم: مطبوعات دینی.
 طبرسی، حسن بن علی، (۱۳۸۰). **اسرار الامامه**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی
 طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۳۵۶). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق حبیب یغمایی، تهران: انتشارات

توس

- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق). **الامالی**. قم: دارالثقافه
- قمی، عباس، (۱۳۸۴). **مفاتیح الجنان**. قم: انتشارات قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۲ق). **اصول کافی**. ۴ جلدی، تحقیق محمدباقر بهبودی و علی اکبر غفاری، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲). **بحار الانوار**. ۱۱۰ جلد، تهران: دارلکتب الاسلامیه.
- میلانی، سید محمدعلی، (۱۴۲۷ق). **علم و جهاد**. قم: لسان الصدق.
- مرادی، اکرم و حجت فر، گلی، (۱۳۹۳). «تحلیل جمله (بشروطها و انا من شروطها). سلسله الذهب» **مجموعه مقالات همایش علمی - پژوهشی حدیث سلسله الذهب مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس**.
- مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشیری النیسابوری، بی تا. **صحیح مسلم**. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.